

(۵) ترجیح معشوق بر هر نعمت و زیبایی

(۶) استعاره از لب (۷) تسلیم باش (۸) محرمانه بودن (سرار عاشق و معشوق



مهر و وفا ← مناظره (سؤال و جواب)

طلب وصال	بی‌اعتنایی معشوق	غم عشق
گفتم که ماه من شو گفتا اگر (۱) <u>سر آید</u> (۲) (۳)	گفتم غم تو دارم گفتا غمت <u>سر آید</u> (۱) (۲)	گفتم غم تو دارم رسم وفا بیا موز
گفتا ز خورویان این کار کمتر آید	گفتم که بر خیالت (که مانع دیدن می‌شوم) (راه نظر بندم)	عاشق از رؤیا و خیال معشوق ناگزیر است
گفتا که <u>شبر</u> است او از راه دیگر آید	گفتم که بوی زلفت گمراه عالم کرد	ایهام
گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید <u>شود</u> تناقض	گفتم خوش <u>الف کثرت</u> هوایی کز باد صبح خیزد	رایحه
گفتا <u>خنک</u> نمی‌گز کوی دگر آید	گفتم که نوش <u>لعل</u> ما را به آرزوشت	ایهام
گفتا تو بنگی کن کاو بنده پرور آید	گفتم دل رحمت، کی عزم صلح دارد	طلب عنایت و بخشش
گفتا گوی با کس تا وقت آن در آید	گفتم زمان <u>عشرت</u> دیدی که چون سر آمد	قف...
گفتا خموش حافظ، کاین غصه هم <u>سر آید</u> (۱) (۲) بی‌ثباتی جهان و زندگانی؛		
حافظ (چه...ها و چه...ها)		

۵۹- مفهوم عبارت «الذهر یومان یوم لک و یوم علیک» با کدام گزینه قرابت دارد؟

- (۱) امین باش ار همی ترسی ز مار آن جهان کز تو / به کار این جا امین باشی ز مار آن جا امان بینی
- (۲) بدین زور و زر دنیا چو بی‌عقلان مشو غره / که این آن نوبهاری نیست کش بی‌مهرگان بینی
- (۳) نظرگاه الهی را یکی بستان کن از عشقی / که در وی رنگ و بوی گل ز خون دوستان بینی
- (۴) هوا را پای بگشادی، خرد را دست بربستی / اگر آن را زیر کام آری مر این را کامران بینی

۶۰- در کدام بیت «جهش ضمیر» به چشم می‌خورد؟

- (۱) ما را به آب دیده شب و روز ماجر است / زان رهگذر که بر سر کوبش چرا رود
(۲) طرب سرای محبت کنون شود معمور / که طاق ابروی یار منش مهندس شد
(۳) نسیم زلف تو چون بگذرد به تربت حافظ / ز خاک کالبدش صد هزار لاله برآید
(۴) گر من از دوست بنالم، نفسم صادق نیست / خبر از دوست ندارد که ز خود با خبرست

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱ در متن درس، هر واژه زیر، در چه معنایی به کار رفته است؟

لعل (.....) عشرت (.....) شبرو (.....)

۲ گاهی ضمیر، در جایگاه اصلی خود قرار نمی‌گیرد و در جای دیگر می‌نشیند؛ به این

جابه‌جایی ضمیر، «پرش» یا «جهش ضمیر» می‌گویند؛ مانند کاربرد ضمیر پیوسته
«ت» در بیت زیر:

ای بی‌نشان محض، نشان از که جویمت؟ گم گشت در تو هر دو جهان از که جویمت؟

عطار

..... بودن یار»

■ در شعر این درس، نمونه‌ای از جهش ضمیر را مشخص کنید.

۳ با توجه به ساختمان واژه، کلمات مناسب را از متن درس بیابید و بنویسید.

ساده	وندی	مرکب

قلمرو ادبی

۱ قافیه و ردیف را در بیت آغازین و پایانی شعر حافظ مشخص کنید.

۲ هر گاه یک کلمه، به چند معنا به کار برود، آرایه «ایهام» پدید می‌آید. ایهام، از ریشه

www.my-dars.ir

۶۱- «مسلط، کنج، چنبره گردن، پیوستگی» به ترتیب، معانی کدام واژه‌هاست؟

- (۱) سلطه، بیغوله، غارب، اتصال
(۲) قهّار، اکناف، وقب، متصل
(۳) سلطه، گوشه، گرده، اتصال
(۴) جبار، بیغوله، آخره، وصلت
- ۶۲- معنی چند واژه، درست است؟

(شبرو: راهزن) (وقب: برآمدگی اندام) (مسلخ: رخت کن حمام) (خیل: گروه) (نقض: خوش و خرم) (نموده: نشان داده)
(کیش: سرنیزه) (زلّت: خواری)

(۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

«وهم» و به معنای «به تردید و گمان افکندن» است؛ نمونه: «بی مهر رخت، روز مرا نور نمانده است»؛ کلمه «مهر» در دو معنای «محبّت» و «خورشید» به کار رفته است. نمونه‌ای از این آرایه ادبی را در متن درس بیابید.

قلمرو فکری

۱ از متن درس، برای هر یک از مفاهیم زیر، نمونه بیتی انتخاب کنید و بنویسید.

- اطاعت و فرمان‌پذیری
- طلب عنایت و بخشش

امروزه فقط برای انسان به کار می‌رود ولی در گذشته برای غیرانسان نیز معمول بوده است.

۲ بیت زیر، با کدام قسمت از سروده حافظ، ارتباط مفهومی دارد؟

غم و شادی جهان را نبود هیچ ثبات هر زمان، حال وی از شکل دگر خواهد شد

سنایی

۳ بر پایه بیت‌های این غزل، چند ویژگی هر یک از دو سوی گفت و گو را بنویسید.

نفر دوم (پاسخ‌دهنده)	نفر اول (پرسنده)
.....	
.....	
.....	

۴ گروه آموزشی عصر

۶۳- در بیت زیر، کدام واژه «ایهام» دارد؟

«چشم چپ خویشتن بر آرم تا روی نبیندت به جز راست»

(۱) روی (۲) راست (۳) چشم (۴) خویشتن

۵۲

گنج حکمت حقه راز

نکته‌ای پر من آشکار کنی

روزی یکی نزدیک شیخ آمد و گفت: «ای شیخ آمده‌ام تا از اسرار حق چیزی با من نمایی.»

شیخ گفت: «باز گرد تا فردا.»

آن مرد باز گشت.

شیخ بفرمود تا آن روز، موشی بگیرند و در حقه کردند و سر حقه محکم کردند.

دیگر روز آن مرد باز آمد و گفت: «ای شیخ، آنچ وعده کرده‌ای، بگوی.»

شیخ بفرمود تا آن حقه را به وی دادند و گفت: «زینهار، تا سر این حقه باز نکنی.»

مرد حقه را برگرفت و به خانه رفت و سودای آتش برگرفت که آیا در این حقه، چه

سرّ است؟ هر چند صبر کرد نتوانست.

سر حقه باز کرد و موش بیرون جست

و برفت.

مرد پیش شیخ آمد و گفت: «ای

شیخ، من از تو سرّ خدای تعالی طلب

کردم، تو موشی به من دادی؟!»

(شیخ گفت: «ای درویش، ما موشی

در حقه به تو دادیم، تو پنهان نتوانستی

داشت؛ سرّ خدای را با تو بگوییم،

چگونه نگاه خواهی داشت؟!»)

..... بودن اسرار الهی

اسرار التوحید، محمد بن منور

